

روایت دقیق صدر از دربی سال ۵۲

۱۶ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۲۵

حمید رضا صدر در کتاب «پسری روی سکوها» با طرح جزئیات بازی استقلال و پرسپولیس در ۱۶ شهریور سال ۵۲، می‌نویسد: نتیجه ۶-۰ صفر بر تاریخ فوتبال ایران حک می‌شود و شعار شش تایی‌ها برای همیشه باقی خواهد ماند

مطلبی آماده شده از کتاب «پسری روی سکوها» حمیدرضا صدر است که به روایت دقیق این دو تیم معروف پرداخته است که طرفدارن تیمی بازنده چنین بازی‌ای را انکار می‌کنند.

تجربه‌ها را تکرار نکنند اما

۴۲ سال پیش در چنین روزی، اتفاقی نادر در حوزه تاریخ فوتبال ایران رخ داد. ۱۶ شهریور ماه ۱۳۵۲. بازی استقلال - پرسپولیس در استادیوم آزادی.

با گذشت چند دهه از این بازی و تغییر نسل، بحث‌های مختلفی راجع به این مسابقه مطرح شده تا جایی که برخی‌ها از اساس چنین رخدادی را مورد تشکیک قرار دادند.

اما حمیدرضا صدر که در آن روز یکی از ۵۰ هزار تماشاگر آن بازی بوده، در کتاب «پسری روی سکوها»، روایت دقیقی از جزئیات این بازی می‌نویسد که در ادامه می‌خوانید:

این نه یک بازی که حادثه‌ای باورنکردنی است، رخدادی توضیح ندادنی است در نخستین دوره رقابت‌های جام تخت جمشید دو هفته تا باز شدن مدارس.....

بازی بزرگ، ۴ نفری، استادیوم ۱۰۰ هزار نفری. بی‌شتاب و عاری از دغدغه‌ی بلیت و یافتن جا. طبقه بالای استادیوم. روی سکوه‌های شرقی. میان پرسپولیس‌ها. با دو رفیق پرسپولیس‌ی و یک تاجی، می‌نشینیم تا عجیب‌ترین، تا غیرمنتظره‌ترین، تا به یاد ماندنی‌ترین بازی تاریخ فوتبال باشگاه ایران در غیاب دوربین‌های تلویزیونی تماشا کنیم. دوربین‌های تلویزیونی راهی ورزشگاه دیگری شده‌اند تا رقابت‌های مسابقات قهرمانی کشتی جهان را ثبت کنند. دوربین‌ها صحنه‌هایی را ثبت می‌کنند که کسی آنها را

دوربین‌ها نیستند تا صحنه‌هایی را ثبت کنند که همه نسل‌های بعد آرزوی تماایشان را خواهد داشت. تو شاهد صحنه‌هایی هستی که فقط حدود ۵۰ هزار نفر نشسته روی سکوها آنها را می‌بینند. می‌بینند و در ذهن ثبت می‌کنند. دیگران نمی‌بینند و فقط قصه‌هایش را خواهند شنید. می‌شنوند و می‌خوانند و آرزو می‌کنند آنجا بودند. روی همان سکوها کنار تو....

بازی ساعت ۶ آغاز می‌شود و دو ساعت بعدش، ساعت ۸، احساس می‌کنیم تاریخ چه مفهومی دارد چرا که همان اطراف بوده‌ای. روی این سکوها رایکف بزرگ برابر آلن راجرز تماشاگر پسند.

می‌گویند راجرز همان صبح از انگلیس به تهران بازگشته. می‌گویند مردانش را دیگران تمرین داده‌اند. اما او امروز برجاست در این روز تاریخی. روی آن نیمکت نامش را اینجا ماندنی خواهد کرد. در کمتر از ۲ ساعت.

اولین نبرد پرسپولیس و تاج دور از امجدیه. در خانه جدید فوتبال تهرانی‌ها. در استادیوم ۱۰۰ هزار نفری. دو تیم ۱۰ امتیازی (با احتساب دو امتیاز برای هر پیروزی) دو تیم بدون شکست. دو تیم بالای جدول. نیکولای پتریچیان، داور رومانیایی، جلوی بازیکنان راه می‌رود. ۱۰ روزی می‌شود در ایران است و هفته پیش بازی پرسپولیس و تاج را قضاوت کرده که صفر، صفر پایان یافته.

او پرسپولیزی‌ها را خوب می‌شناسد. او نمی‌داند اینجا بر خلاف آن دیدار بارها در سوتش خواهد دمید و نقطه میانی میدان را نشان خواهد داد. بارها و بارها. پرسپولیزی‌ها پشت سر او وارد می‌شوند. وارد می‌شوند و تاریخ را عوض کنند: ابراهیم مودت، ابراهیم آشتیانی، مسیح مسیح‌نیا، جعفر کاشانی، رضا وطن‌خواه، ایرج سلیمانی، علی پروین، اصغر ایوبی، حسین کلامی، اسماعیلی حاجی رحیمی‌پور و همایون بهزادی. راجرز به اطراف می‌نگرد و چرخ می‌زند و برای همه دست تکان می‌دهد. بر خلاف رایکف.

تاجی‌ها شانه به شانه پرسپولیزی‌ها وارد می‌شوند. تاجی‌ها نمی‌دانند تاریخ چه شلاقی به آنها خواهد زد. نمی‌دانند چه بر سرشان خواهد آورد: منصور رشیدی، نصرالله عبدالهی، اکبر کارگرجم، جواد الله‌وردی، عزت جان‌ملکی، کارو حق‌وردیان، جواد قراب، علی جباری، محمدرضا عادل‌خوانی، حسن روشن و غلامحسین مظلومی.

غایب بزرگ سفر ایران پاک از جبهه پرسپولیزی‌هاست. یعنی پرسپولیس بهترین گل‌زنش را در اختیار ندارد در حالی که ترکیب مظلومی و روشن در خط حمله تاج ترسناک به نظر می‌رسد. خوفناک. ۱۰ دقیقه آغازین همراه با درگیری‌های بی‌رحمانه است. جباری برابر ادیبی. حق‌وردیان برابر سلیمانی. جان‌ملکی برابر حاج‌رحیمی‌پور. آنها از مصدوم کردن یکدیگر ابایی ندارند. ساق‌های یکدیگر را نشانه می‌روند. گلادیاتورمآبانه بازی می‌کنند ولی این اتفاق دوام چندانی ندارد و کم‌کم آرام می‌گیرد. بازی آرام می‌شود.

از حمله‌های احساسی متداول پرسپولیسی‌ها و سانترهای متوالی‌شان روی دروازه خبری نیست. از بازی زمینی و سنگینی تاج هم نشانی به چشم نمی‌خورد. اکبر کارگرجم که معمولاً در قلب دفاع بازی می‌کند در دفاع کنار قرار گرفته. پیش از یک سوم بازی سپری شده و گلی به ثمر نرسیده.

حال و هوای بازی یادآور دیدارهای کرکری خیابانی هم هست. اما سرانجام داور پس از نفوذ حاجی‌رحیمی پور که عزت جان‌ملکی را عذاب می‌دهد به نشانه خطا روی او در سوتش می‌دمد.

دقیقه ۳۱: پروین آرام ضربه‌اش را می‌نوازد. آشتیانی توپ دفع شده را روی دروازه ارسال می‌کند و رشیدی برای مهار توپ مردد است. تردید... تردید... تردید. ولی کلانی تردید به خود راه نمی‌دهد و با سرعت جلو می‌آید سریع... سریع... سریع. ولی ضربه‌اش آرام است. عبداللهی جان می‌کند. ولی با توپ وارد دروازه می‌شود: ۱ - صفر

ستاره‌های تاجی که بیشترشان ملی‌پوشند خشمگین می‌شوند و به خشونت روی می‌آورند، اما پیش از پایان نیمه اول گل دوم را هم می‌خورند.

دقیقه ۴۳: پروین توپ را به سلیمانی پاس می‌دهد و او با شوت سرکشی از فاصله ۲۵ متری دروازه رشیدی را نشانه می‌رود. توپ زوزه‌کشان به پرواز در می‌آید. دروازه باز می‌شود: ۲ - صفر

رفیق تاجی تو با اطمینان از جبران دو گل در نیمه دوم حرف می‌زند. با آب و تاب. از تعویض‌های جادویی رایکف بزرگ. از نیمکت‌نشینان بزرگ. او به رایکف ایمان دارد. جبران دو گل همیشه محتمل به نظر می‌رسد. دیدارهای ۲-۲ پرشماری را دوره می‌کنی. ولی رایکف بزرگ نیمه دوم را بدون تعویض آغاز می‌کند. بدون تغییر. نیمکت‌نشینان بزرگ روی نیمکت باقی می‌مانند. رایکف هنوز به بازیکنان توی میدان اعتماد دارد. اعتماد... اعتماد... اعتماد.

اما نیمه دوم بر خلاف انتظار با حمله‌های پرسپولیس شروع می‌شود. با ارسال سانترهایی از جنس پرسپولیس آلن راجرز تماشاگر پسند. رایکف بزرگ اشتباه کرده. اشتباه... اشتباه... اشتباه.

دقیقه ۵۰: توپ با چند پاس پشت هم پرسپولیسی‌ها به حاج رحیمی پور می‌رسد. او توپ را سانتر می‌کند. کاپیتان بهزادی آنجاست روی خط محوطه جریمه و با شلیک سر توپ را سمت راست دروازه جای می‌دهد. (احتمالاً بهترین گل بازی): ۳- صفر

رشیدی درمانده شده. مدافعانش سردرگم‌اند و کناری‌ها نمی‌توانند جلو نفوذ پرسپولیسی‌ها را بگیرند. رفیق تاجی زیر لب زمزمه می‌کند: ای کاش حجازی بازی می‌کرد. ای کاش... و دیگر نمی‌فهمی چه می‌گوید. رشیدی سرش را آرام تکان می‌دهد. او که همیشه نیمکت‌نشین و قرار گرفتن پشت سر حجازی گله می‌کرد. احتمالاً آرزو می‌کند کاش حجازی در این دیدار به میدان

می‌آمد و او روی نیمکت می‌نشست. ای کاش... ای کاش... ای کاش... ای کاش....

تاج چند پاره می‌شود. شکست را می‌پذیرد. دست‌ها را بالا می‌برد. دیدار ۳-۳ پایان یافته‌ای را به یاد نمی‌آوردید. باران گل ادامه خواهد داشت.

دقیقه ۵۷: ایرج سلیمانی بار دیگر در محوطه جریمه ظاهر می‌شود. نه قراب، نه جباری و نه حق‌وردیان او را که درخشش کم نظیر دارد زیر نظر نگرفته‌اند. مهارش نکرده‌اند. اله‌وردی و عبدالهی بدترین بازی زندگی حرفه‌ای‌شان را ارائه می‌دهند. سلیمانی این بار بار زربین سرکش نقطه پایین راست دروازه رشیدی سرگیجه گرفته را نشانه می‌رود: ۴- صفر.

گروهی از تاجی شعار حجازی، حجازی را سر می‌دهند و پرسپولیسی‌ها شعار ما منتظر پنجمی هستیم..... و رایکف بزرگ سرانجام به تغییر روی می‌آورد. نیمکت‌نشینان بزرگ از روی نیمکت بلند می‌شوند. هادی نراقی و مسعود مزدهی جای روشن و مظلومی را می‌گیرند. سپس حجازی درون دروازه می‌ایستد.

برای لحظاتی به نظر می‌رسد در میدان تعادلی به وجود آمده ولی ستاره‌های تاج نمی‌توانند فاصله عمیق ایجاد شده را کم کنند. نمی‌توانند گل بزنند. نمی‌توانند... نمی‌توانند... نمی‌توانند... بهزادی در دقایق پایانی دو گل دیگر می‌زند. موقعی که خیلی‌ها سکو را ترک کرده‌اند. دقیقه ۸۸: سانتر کلانی، اشتباه حجازی، ضربه بهزادی آسوده خیال، ۵- صفر.

دقیقه ۹۰: سانتر دیگری از حاج رحیمی پور. چند ضربه بی‌هدف. در محوطه جریمه. سرانجام بهزادی سر طلایی در آستانه ۳۲ سالگی با ضربه پا دروازه حجازی را باز می‌کند تا سه گل شود و معروف‌ترین گل‌هایش را با پا زده باشد. تا جایگاه بی‌همتایی در تاریخ مسابقات دو رقیب ازلی بیاورد. حجازی هم در شکست بزرگ سهیم شده. رشیدی دیگر تنها نیست. بارش کمی سبک‌تر شده فقط کمی. شعار «حجازی شیش تاییه» و همین‌طور «حجازی ۴۰ متری» تا مدت‌ها به گوش خواهد رسید.

تاجی‌ها پس از پایان بازی بلافاصله ادعا خواهند کرد پرسپولیسی‌ها از داروهای محرک استفاده کرده‌اند. دوپینگ کرده‌اند. فدراسیونی‌ها دست به کار گرفتن نمونه ادرار بازیکنان پرسپولیس می‌شوند و تقاضای ۵ هزار تومان از باشگاه تاج برای انجام آزمایشات می‌کنند. تاجی‌ها زیر بار نمی‌روند. نمی‌روند و نمونه‌ای راهی آزمایشگاه نخواهد شد.

نتیجه ۶- صفر بر تاریخ فوتبال ایران حک می‌شود و شعار شیش تایی‌ها برای همیشه باقی خواهد ماند.

تیمسار پرویز خسروانی دستور تشکیل کمیته تحقیقی را برای کشف دلایل این شکست سنگین صادر خواهد کرد. زمزمه شب‌زنده‌داری چند بازیکن به گوش خواهد رسید. تیمسار در نخستین تمرین پس از شکست شش‌گله، در ورزشگاه وحیدیه در سالن غذاخوری فریاد بر می‌آورد.

خواهد گفت «شکست شما افتضاح بود. در تاریخ باشگاه تاج سابقه نداشته تیم من این چنین مفتضحانه و ننگ‌آور ببازد. شما باعث این ننگ بزرگ شدید. شما که شنیده‌ام پیش از مسابقه بزرگ بساط عیش و نوش به پا کرده بودید. شما که از امکانات عالی باشگاه، پول کافی و همه چیز بهره‌مند هستید. چرا این طور بازی کردید؟ چرا آبروی ما بردید؟ چرا باعث شدید مردم برای این باخت به من ناسزا بگویند و حرف‌های نامربوط بزنند؟ اگر چنین باشد تیم فوتبال تاج را منحل خواهم کرد. دستور خواهم داد عکس‌های شما را جایی به دیوار بزنند زیرش بنویسند این‌ها باعث ننگ باشگاه تاج و انحلال تیم فوتبالش شدند»....

جواد الله‌وردی واکنش نشان خواهد داد. او را از جلسه بیرون خواهند انداخت. کمیته تحقیق رشیدی و اله‌وردی را مقصر شکست قلمداد خواهد کرد. آن دو از همراهی یک تیم محروم خواهند شد. اله‌وردی مصاحبه پر تب و تاب انجام خواهد داد. از دورانی به دوران دیگر. از خود دفاع خواهد کرد. دیگر برای تاج به میدان نخواهد رفت و با قرارداد ۱۲ هزار تومانی با سر و صدایی که رسانه‌ها را به وجد می‌آورد راهی پرسپولیس می‌شود.

رشیدی می‌گوید ایران را ترک خواهد کرد. می‌گوید به استرالیا خواهد رفت. ولی فصل بعد به تاج باز خواهد گشت. تاج یک ماه پس از این شکست ادعا خواهد کرد از مسابقات کنار خواهد کشید. تاج ادعا خواهد کرد داوران علیه آنها سوت می‌زنند. ادعا خواهد کرد تماشاگران علیه آنها شعار می‌دهند.

ادعا خواهد کرد بازیکنانش را در رختکن سنگ‌باران می‌کند. ادعا خواهد کرد. فدراسیون فوتبال از آنها دفاعی نمی‌کند. ادعا خواهد کرد ابوالقاسم حاج ابوالحسن در بازی با برق علیه آنها قضاوت کرده. ادعا خواهد کرد محمود بیاتی مربی ملی پیش از بازی با استرالیا توماری علیه باشگاه تاج جمع کرده.

ادعا خواهد کرد محمود بیاتی باشگاه برق را به نورد علیه آنها فراخوانده. ادعا خواهد کرد کارگردانان تیم ملی تیشه به ریشه باشگاه می‌زنند. ادعا خواهد کرد پاداش بازیکنان‌شان برای حضور در تیم ملی کمتر از پرسپولیس‌ها بوده

ولی هیچ یک از اینها سنگینی شکست شش‌گله را کم نخواهد کرد. هرگز. هیچ وقت

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/31474/روایت-دقیقه-صدر-در-په-سال-52>